

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1392/01/31



طهارت تمام محل موضع سجده نمازگزار
سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «اذا وضع جبهته علی محل بعضه طاهر و بعضه نجس صحّ اذا كان الطاهر بمقدار الواجب فلا یضرّ کون البعض الآخر نجسا». این مسئله را عنوان کردیم که فرع است بر مسئله قبلی که گفته شد طهارت شرط سجود است نه شرط مسجّد. پس از که شرط سجود بود، اگر سجود به موضع طهارت قرار بگیرد که صدق کند سجود بر جسم طاهر واقع شده است، مکفی است ولو قسمتی از موضع جبهه نجس باشد. این بحث مبنایی شد که بر مبنای مشهور متاخرین و بر مبنای سید طباطبایی در متن عروه همین است.

شرطیت یا مانعیت خبث نسبت به مکان نمازگزار
اما گفته شد که حکم در این مسئله ارتباط دارد با شرطیت طهارت و مانعیت نجاست که معنای شرطیت و مانعیت را توضیح دادیم.

نظر امام خمینی که طهارت امر عدمی است و نمی شود شرط باشد
گفته شد که امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: طهارت از خبث نسبت به مکان نمی تواند شرط باشد چون طهارت شرط عدمی است و موثر نیست. شرط باید اجزاء مؤثره باشد که در تحقق ماهیت و در تحقق ملاکات دخالت دارد اما مانع چیزی است که در مقام وجود ضدیت دارد. بنابراین نمی تواند شرط باشد و شرط که نبود نجاست می شود مانع. تحقیق مطلب

اما تحقیق این است که طهارت و نجاست، شرطیت و مانعیت، ارتباط مستقیم دارد به حکم مسئله ای که مورد بحث است.

طهارت شرط سجود است یا شرط مسجّد (شرط سجود)
اگر طهارت شرط باشد، مسئله در بحث تقسیم و توضیح قرار می گیرد که آیا شرط سجود

است يا شرط مسجد. اما اگر شرط سجود بود كه حكم مطابق متن درست است و اگر شرط مسجد بود، حكم در متن درست نيست. اگر شرطيت براي طهارت ثابت نشد و گفتيم براي قذارت و نجاست مانعيت از سوي شرع جعل شده است، اگر اين مطلب ثابت شد كه نجاست مانعيت دارد، حكم همان حكمي است كه مورد احتياط اعلام شده است كه سيد فرموده است كه احوط اين است كه تمام موضع جبهه بايد پاك باشد چون نجاست مانع است.

تشبيه طهارت محل سجده با لباس نمازگزار

صورت مسئله مثل مانعيت نجاست در لباس مصلي است. لباس مصلي كه آلوده به نجاست باشد، هر قسمتي از لباس و لو سائر نباشد ولي لباس است، چون لباس از خصوصياتش اين است كه نجاست در آن مانع از صحت صلاه است. مثل همين صورت مي گوييم اگر نجاست مانع آن صحت سجده است كه يك جزء عبادت است، فرق نمي كند و يك قسمتي از موضع جبهه كه نجس بود، مانع از صحت مي شود.

مانعيت نجاست نسبت به صحت صلاه قول قابل قبول

تحقيق اين است كه مانعيت نجاست نسبت به صحت صلاه يك امري است درست و مورد تاييد.

تحليل مانعيت نجاست

اما ادله اي كه در اين رابطه مي توانيم ارائه بدهيم كه نجاست مانع است اين است كه اثر اصلي نجاست در فقه و در عبادات فقط مانعيت است. ما نجاست را بي اثر مي كنيم يا داراي اثر در نظر مي گيريم؟ اگر مي گوييم نجاست اثري دارد كه فقط مانعيت است و اگر مي گوييم بي اثر است كه اصلا طهارت زدودنش لازم نيست. پس بنا بر اين با دقت به معنای نجاست و اثر نجاست بر اساس مذاق فقه مي شود مانع.

مؤيدات مانعيت نجاست

اما مؤيدات: سيد الاستاد [1] كه اين مطلب را گفت كه متن درست است و طهارت كل موضع جبهه شرط نيست. اما ماديديم كه ايشان [2] در جاي ديگر فرمود «ان النجاسة مانعة عن صحتها» كه اعتراف ثابت و مطابق واقع.

بيان امام خميني

مؤيد ديگر امام خميني مي فرمايد: شرطيت براي طهارت ممكن نيست. بنا بر اين در صورتي كه نجاست مانع از صحت صلاه بشود بايد تمام موضع سجده از نجاست پاك باشد و نجاستي وجود نداشته باشد كه اگر جزئي از موضع جبهه، مثلا پيشاني اش را گذاشته و قسمتي طاهر است به اندازه اي كه سجده صحيح باشد و قسمتي روي موضع نجس است، نجاست كه مانع باشد، اين سجده درست نيست.

سوال و جواب: اگر اشكال شود كه مانعيت درست است ولي اينجا در مصداق شرطيت مي شود، در جواب مي گوييم كه آن قسمتي از نجاستي كه در آن بعضي از موضع سجده قرار دارد، آن نجاست كه شرط نيست. آن نجاست الان در موضع سجده كه به سجده ضرر مي زند مانع از صحت عبادت مي شود نه شرط. بنا بر اين تطبيقش كاملا واضح است. ما حصل بحث: حكم به طهارت كل موضع جبهه ارتباط مستقيم دارد به اينكه بگوييم نجاست مانع است و مانعيت براي قذارت از سوي شرع جعل شده است.

بیان فقیه همدانی

و حکم به صحت سجده در موضع سجده ای که قسمتی پاک و قسمتی نجس باشد، مربوط است به اینکه بگوییم طهارت شرط است و شرطیت جعل شده است و طهارت امر وجودی است که فقیه همدانی می گوید طهارت امر وجودی است و قابل جعل است. بعد از که قابل جعل شد، در وادی تحلیل که می بینیم شرط سجود است یا شرط مسجد که گفته شد شرط سجود است و نتیجه این می شود که پس سجده درست است چون سجود بر طاهر انجام شده است.

فرمایش مرحوم خوی که طهارت فقط مقدار واجب در سجده لازم است اما کامل تر کردن در مرحله تحقیق باید نکاتی را که سید الاستاد مورد توجه قرار داده بودند، تعرض کنیم. فرموده بودند که قدر متیقن سجود، مقدار واجب سجده است و اما مقدار زائد از آن را با برائت کنار می گذاریم و دلیل بر اشتراط مقدار زاید نداریم.

قدر متیقن از طهارت موضع سجده طهارت تمام محل موضع سجده است در این رابطه تحقیق این است که پس از که نجاست مانعیت دارد، قدر متیقن این می شود که باید سجده در موضعی صورت بگیرد که کل موضع جبهه پاک باشد تا متیقن عبادت شکل بگیرد و اگر یک مقدارش نجس و یک مقدارش پاک بود، شک می کنیم. قدر متیقن همیشه اقل نیست. قدر متیقن به طور اغلب در حداقل تطبیق می کند در عمومات. در عبادات گاهی قدر متیقن به مقدار اکثر تطبیق می کند. بنابراین قدر متیقن اینجا این است سجده بر موضع طاهری که آن موضع پاک باشد و این قدر متیقن است. قدر مشکوک این است که یک قسمتی پاک و یک قسمتی نجس باشد.

شک در امتثال می شود اشتغال و احتیاط

در این رابطه گفته می شود که اینجا اشتغال است و درست هم است. عبادت که هست و اشتغال ذمه هم که هست و تکلیف هم ثابت است و شک در مکلف به داریم که این مسجد و این سجده که الان در موضعی قرار دارد که جزئی از آن نجس و جزئی طاهر است، شک در امتثال داریم و شک در امتثال می شود مورد اشتغال. شک در قدرت و شک در امتثال هر دو مورد اشتغال است. اگر کسی اعمالی را انجام می دهد که یک مقدار را انجام داده بعد شک می کند که به طور کامل می تواند انجام بدهم یا قدرتش را ندارم و تکلیف ساقط است؟ شک در قدرت مجرای اشتغال است. شک در امتثال هم همیشه مجرای احتیاط و اشتغال است. بنابراین اصل برائت نیست و اشتغال است.

موید دیگر مطابقت با سیره متدینین

موید سوم در این رابطه این است که مطابق با سیره متدینین است. سیره متدینین بر این است که کل مواضع سبعه را پاک و طاهر در نظر بگیرند و کل موضع سجده که قطعا.

مؤید دیگر مخالفت با عامه (قول حنفی)

مؤید دیگر این است که جزء موارد بسیار بارزی است که بین مذهب شیعه و مذهب حنفی هست هرچند در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه فتوای ابوحنیفه بر طهارت مسجد جبهه اعلام شده ولی این یک فتوای استحبابی و احتیاطی است و اما سجده بر عین نجس مجزی است. مؤید بعدی در همین رابطه می توانیم بگوییم که در عرف متشرعه. الفاظ که معانی عرفی دارند از عرف عقلاء بپرسید و الفاظی که معانی عرف شرع دارند، از عرف شرع بپرسید.

سجده معنایی دارد در عرف شرع که معنای الفاظ شرعی را که شرع توضیح نداده و مطلق گفته و حدودش را از عرف شرع بپرسید. بنابراین سجده که از شرع گفته شده است که جبهه بگذارد به زمین و ذکر بگوید، معنایش از عرف بپرسید که چه اندازه باشد و موضع جبهه پاك باشد یا نجس باشد، از عرف شرع که بپرسید می گویند قطعا باید کل موضع جبهه پاك باشد. این مؤید بعدی بود که می توانیم این مؤید را به عنوان دلیل در این رابطه اعلام بداریم.

استناد به احتیاط سید حکیم در طهارت موضع سجده
آخرین مؤید این است که سید الحکیم [3] وجه احتیاط را بیان می کند. آنجا که سید یزدی فرموده است الاحوط که احوط سري دارد و دلیل دارد.

تمسك به اطلاق مدلولی در طهارت موضع سجده
وجه احتیاط را که بیان می کند، می فرماید: اطلاقات اجماعی که فقهاء دارند درباره اشتراط طهارت نسبت به موضع سجده که گفته اند موضع سجده باید طاهر باشد و مطلق گفته. اشکال نکنید که دلیل لبي اطلاق ندارد بلکه اطلاق مدلول است نه اطلاق به معنای سعه بودن قلمرو و وسعت در نطاق. اطلاق مدلول این است که لفظ را که استعمال کنیم بدون توضیح و بدون قرینه، انصراف پیدا می کند به يك معنا. مقتضای اطلاق اجماعات که شرح و توضیح داده نشده است این است که تمام موضع جبهه باید پاك باشد و اگر نجس باشد بعضی و بعضی پاك باشد، مشکل است.

تمسك به شك در تحقق مصداق سجده
در آخر می گوئیم که در صدق سجده شك می کنیم که استاد فرمود جبهه و سجده بر مقدار پاك ولو مقدار دیگر نجس باشد مصداقش محقق می شود، ما می گوئیم شك در تحقق مصداق می کنیم و مصداق سجده باید احراز بشود و شك آن هم وجدانی است و شك در تحقق سجده مساوی با عدم تحقق آن است. از سوی دیگر هم شبهه مصداقیه می شود و عموماً هم شاملش نمی شود. در نهایت گفته می شود که این حکم مطابق احتیاط لزومی است. براساس مذاق فقهی و نصوصی که طهارت در موضع سجده شرط می دانند مثل صحیح ابن محبوب که درباره جص آمده بود که طهارت جبهه را در سجود اعلام داشت، مقتضایش این است که باید تمام موضع جبهه پاك باشد احتیاطاً لزوماً. بنابراین احتیاط واجب این است که تمام موضع سجده باید پاك باشد. ما احتیاط لزومی که اعلام می کنیم احتراماً لسلفنا الصالح و فقهاءنا الموجودین که کسی فتوا نداده است و فقط با احتیاط اکتفاء کرده اند. بعد از که فحص و تتبع به عمل آمد، دیده شد که حکم درست آن است که بگوئیم موضع جبهه باید به طور کامل پاك باشد و با احترام گذاشتن می گوئیم احتیاط وجوبی این است که باید تمام موضع جبهه پاك باشد. اما حکم برخلاف مشهور اشکالی ندارد. چون آنجایی که حکم بر خلاف مشهور مطابق با احتیاط باشد اشکالی ندارد.

طهارت ظاهر موضع سجده کافی و لزوم به طهارت باطن نیست
در تتمه این مسئله سید می فرماید: «و یکفی کون السطح الظاهر من المسجد طاهراً و ان كان باطنه أو سطحه الآخر أو ما تحته نجساً» می فرماید: برای طهارت موضع جبهه سطح ظاهر کافی است ولو باطن نجس باشد. فرق بین باطن و تحت این است که باطن عمق است و تحت يك پارچه است که زیر آن فرش است و نجس است. برای اینکه مقتضای دلیل و

ظاهر از نصوص نجاست سطح است و حکم باطن در فقه مورد نظر نیست و باطن حکم ندارد و الا- کل انسان نجس است. زیر سطح انسان یا باطن زمین نجاست قطعا هست و حکم ندارد. اما توجیهی که سید الاستاد [4] فرمودند که مقتضای ادله طهارت ظاهر است و باطن یا تحت سطح ظاهر حکمی ندارد. سید الحکیم [5] می فرماید: این مطلب از مسلمات است یعنی مورد تسالم است و جای بحث در آن نیست. مسئله بعدی ازاله نجاست از مساجد.

[1] 1. تنقیح العروه الوثقی ، جلد 3 ، صفحه 250.

[2] 2. تنقیح العروه الوثقی ، جلد 3 ، صفحه 243.

[3] 1. مستمسک العروه الوثقی ، جلد 1 ، صفحه 493.

[4] 1. تنقیح العروه الوثقی ، جلد 3 ، صفحه 251.

[5] 2. مستمسک العروه الوثقی ، جلد 1 ، صفحه 493.